

زاینده‌رود؛ زیرساخت امید و توسعه ایران



فواد شیرانی

پژوهشگر سیاست‌گذاری و اقتصاد شهری

اصفهان را می‌توان در دو تصویر خلاصه کرد: شهری که زاینده‌رود در آن جاری است و شهری که بستر رودخانه در آن خاموش مانده است. تفاوت این دو تصویر فقط در حضور یا غیاب آب نیست؛ در یکی، مردم بیشتر قدم می‌زنند، بیشتر بلخند می‌زنند و شهر زنده‌تر به نظر می‌رسد و در دیگری، گویی بخشی از حافظه و سرزندگی شهر نیز خشک شده است. همین تفاوت، پرسشی اساسی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد: آیا زاینده‌رود فقط یک رودخانه است یا زیرساختی که کیفیت زندگی و آینده توسعه اصفهان بر مدار آن شکل می‌گیرد؟ سال‌هاست زاینده‌رود را فقط از دریچه بحران آب، قنایه یا محیط زیست می‌بینیم، در حالی که این رودخانه فراتر از یک جریان آب است. زاینده‌رود زیرساختی است که هر بار آب در بستر آن جاری می‌شود، نه‌تنها چهره شهر، بلکه حال مردم نیز تغییر می‌کند؛ خانوادها به کنار رودخانه می‌آیند، پلهای تاریخی دوباره معنا پیدا می‌کنند، کافه‌ها و فضاهای عمومی جان می‌گیرند و شهری که تا دیروز خاموش به نظر می‌رسید، دوباره نفس می‌کشد. این احساس صرفا یک برداشت شاعرانه نیست. طی ده دهه گذشته، پژوهشگران شهرسازی، سلامت عمومی و اقتصاد شهری، مفهوم «فضاهای آبی شهری» را به یکی از مهم‌ترین موضوعات مطالعات توسعه شهری تبدیل کرده‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد حضور رودخانه‌های شهری با افزایش رضایت از زندگی، بهبود سلامت روان، کاهش اضطراب، افزایش فعالیت بدنی، ارتقای تعاملات اجتماعی، تقویت حس تعلق به شهر و افزایش جاذبیت اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. آنچه مردم اصفهان هنگام جاری‌شدن زاینده‌رود تجربه می‌کنند، نه یک نوستالژی جمعی، بلکه تجربه‌ای است که علم نیز آن را تأیید می‌کند.

نقش زاینده‌رود همین‌جا تمام نمی‌شود. رودخانه‌ها ریزاقلیم شهر را هم عوض می‌کنند؛ رطوبت را بالا می‌برند، تنش گرمایی را کم و دما را تعدیل می‌کنند. تجربه تابستان‌های اصفهان همین را نشان می‌دهد؛ وقتی آب در زاینده‌رود جاری است، هوای حاشیه رودخانه مطبوع‌تر است، مردم بیشتر می‌آیند و کیفیت زندگی شهری چند پله بالا می‌رود. از سوی دیگر، هیچ سرمایه‌ای برای توسعه شهری ارزشمندتر از سرمایه اجتماعی نیست؛ همان اعتماد، مشارکت، همدلی و احساس تعلقی که جامعه را به حرکت درمی‌آورد. این سرمایه در اتاق‌های اداری یا جلسات رسمی شکل نمی‌گیرد، بلکه در فضاهای عمومی زنده متولد می‌شود؛ جایی که مردم یکدیگر را می‌بینند، گفت‌وگو می‌کنند، می‌خندند و تجربه‌ای مشترک از زندگی شهری می‌آفرینند. در اصفهان، مهم‌ترین بستر این تعاملات، زاینده‌رود است. خشک‌شدن آن فقط حذف یک چشم‌انداز طبیعی نیست، بلکه تضعیف یکی از مهم‌ترین بستری‌های تولید سرمایه اجتماعی است. هر بار که آب در بستر رودخانه جاری می‌شود، فقط سطح آب بالا نمی‌آید؛ سطح امید اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. حضور هزاران شهروند در حاشیه رودخانه، ساعت‌ها قدم‌زدن بدون هیچ برنامه ازپیش‌تعیین‌شده، ثبت هزاران تصویر و روایت در شبکه‌های اجتماعی و تبدیل‌شدن بازگشت آب به یکی از مهم‌ترین خبرهای کشور، نشان می‌دهد زاینده‌رود برای مردم صرفا یک پدیده طبیعی نیست؛ این رودخانه، بخشی از حافظه جمعی و سرمایه عاطفی جامعه است.

امروز رقابت میان شهرها نیز درگون شده است. دیگر شهرها فقط برای جذب کارخانه یا سرمایه فیزیکی رقابت نمی‌کنند، بلکه برای جذب انسان‌های خلاق، کارآفرینان، متخصصان و سرمایه انسانی رقابت دارند. پژوهش‌های اقتصاد شهری نشان می‌دهد مطلوبیت زندگی یکی از مهم‌ترین عوامل انتخاب محل زندگی و فعالیت نیروهای متخصص است. شهری که مردم در آن احساس آرامش، تعلق، امنیت و نشاط داشته باشند، ظرفیت بیشتری برای نوآوری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهد داشت. از این منظر، زاینده‌رود نه یک هزینه، بلکه یک مزیت رقابتی برای اصفهان است. اگر شهر کارآفرین را شهری بدانیم که بتواند استعدادها را جذب، حفظ و شکوفا کند، آنگاه مطلوبیت زندگی دیگر یک متغیر جانبی نخواهد بود، بلکه به یکی از ارکان سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل می‌شود. کارآفرینان، پژوهشگران، متخصصان و سرمایه‌گذاران فقط به دنبال زمین ارزان یا مشوق‌های مالی نیستند؛ آنها شهری را انتخاب می‌کنند که زندگی در آن مطلوب‌تر باشد. از این منظر، زاینده‌رود نه‌تنها یک سرمایه محیط‌زستی، بلکه بخشی از زیرساخت رقابت‌پذیری و کارآفرینی اصفهان است.

اصفهان از معدود شهرهای منطقه است که مجموعه‌ای کم‌نظیر از مزیت‌های توسعه‌ای را هم‌زمان در اختیار دارد؛ میراث تاریخی جهانی، معماری منحصربه‌فرد، شبکه نسبتاً مناسب حمل‌ونقل عمومی، مراکز دانشگاهی، ظرفیت بالای خدمات درمانی، صنایع متنوع، فرهنگ غنی و جایگاهی ممتاز در حافظه تاریخی ایران. اما زاینده‌رود حلقه‌ای است که این ظرفیت‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند. وجود آب، گردشگری را تقویت می‌کند، گردشگری، اقتصاد خدمات را رونق می‌دهد، رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد؛ سرمایه‌گذاری، اشتغال و نوآوری را تقویت می‌کند و همه اینها در نهایت به ارتقای زیست‌پذیری شهر منجر می‌شود. به همین دلیل، زاینده‌رود را باید یک زیرساخت توسعه دانست، نه صرفا یک منبع آب.

از منظر سیاست‌گذاری، زاینده‌رود نمونه‌ای از آن چیزی است که می‌توان «زیرساخت چندمنظوره توسعه» نامید؛ زیرساختی که به‌طور هم‌زمان اهداف محیط‌زستی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حکمرانی را محقق می‌کند. کمتر پروژه‌ای را می‌توان یافت که احیای آن بتواند هم‌زمان به کاهش هزینه‌های ناشی از فرونشست زمین، افزایش درآمد گردشگری، ارتقای سلامت روان، تقویت سرمایه اجتماعی، حفاظت از میراث فرهنگی و افزایش جاذبیت سرمایه‌گذاری بینجامد. همین ویژگی است که زاینده‌رود را از یک مسئله بخشی، به مسئله‌ای ملی تبدیل می‌کند. این نگاه پیامد مهمی برای سیاست‌گذاری دارد. اگر زاینده‌رود را فقط یک مسئله هیدرولوژیک بدانیم، راه‌حل نیز صرفا در مدیریت آب خلاصه خواهد شد. اما اگر آن را زیرساخت زیست‌پذیری شهر، سرمایه اجتماعی و توسعه شهری بدانیم، آنگاه سیاست‌گذاری نیز باید چندجانبه باشد؛ سیاستی که هم‌زمان محیط زیست، اقتصاد، گردشگری، سلامت، میراث فرهنگی، سرمایه‌گذاری و حکمرانی را در کنار یکدیگر ببیند.

احیای پایدار زاینده‌رود را نباید هزینه‌ای برای یک استان دید؛ باید آن را سرمایه‌گذاری روی یکی از مهم‌ترین پيشران‌های توسعه ملی دانست. حفظ میراث تاریخی اصفهان، جلوگیری از فرونشست زمین، رونق گردشگری، سلامت روان شهروندان و جذب سرمایه انسانی، همه منافعی هستند که از مرزهای اصفهان فراتر می‌روند. شاید مهم‌ترین ویژگی زاینده‌رود این باشد که هم‌زمان بر اقتصاد و احساس اثر می‌گذارد؛ هم بر شاخص‌های توسعه و هم بر حافظه جمعی. کمتر پروژه‌ای را می‌توان یافت که با یک تصمیم درست، چنین دامنه گسترده‌ای از پیامدهای مثبت را ایجاد کند. از همین رو، جریان پایدار زاینده‌رود را نباید مطالبه‌ای صرفا محلی یا زیست‌محیطی دانست؛ این مطالبه، بخشی از راهبرد ارتقای کیفیت زندگی، افزایش رقابت‌پذیری شهری و تقویت سرمایه اجتماعی ایران است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

گزارش «شرق» از حمله به آب‌شیرین کن روستای «بونجی» و روزهای سخت اهالی غرب جاسک

۲۰ روستا در انتظار آب

فرماندار جاسک: آب‌شیرین‌کن بونجی به مدار بهره‌برداری بازمی‌گردد



می‌گوید هنوز خبری از آب‌رسانی نیست؛ «قول دادند و گفتند تا زمان راه‌افتادن آب‌شیرین‌کن، با تاخیر به مردم آب برسانند. اما فعلا این اتفاق نیفتاده و مردم فقط برای یک تا دو روز آب ذخیره کرده‌اند. بعد از آن بسیار سخت می‌شود که در این دمای هوا روزهایشان را بگذرانند». معیشت مردم آن منطقه وابسته به دریاست؛ دریایی که حالا صحنه جنگی است که امکان ماهیگیری را از آنها گرفته؛ «به صیادان اعلام کرده‌اند به‌دلیل درگیری‌های شدیدی که در تنگه هرمز جریان دارد، به دریا نروند. اما معیشت مردم وابسته به دریاست، یک شب نروند، دو شب نروند، از شب سوم دیگر خیلی سخت می‌توانند امرار معاش کنند». اما این تنها مسئله صیادان آن منطقه نیست؛ «قبل از این مردم با مشکل بنزین مواجه بودند، سوختی که به صیادان می‌دهند بسیار کم است و کفاف کارشان را نمی‌دهد».

جاشو و دریا

«پس از نماز صبح از مسجد بیرون آمدیم. من هم به خانه رفتم تا وسایلم را برای رفتن به جاسک و ماهیگیری آماده کنم. جاسک ۷۰ کیلومتر از ما دور است. می‌خواستم تا ساعت ۸ صبح به دریا برسم تا به گرمای شدید برخورد نکنم. در همین حین ناگهان صدای چهار انفجار شدید آمد؛ مکان مورد حمله فقط ۵۰۰ متر با روستای ما فاصله داشت و از پشت‌بام دیدیم که به آب‌شیرین‌کن حمله شده است». «عیسی» از صیادان روستای «بنجی ساحلی» است؛ روستایی که آب‌شیرین‌کن در اسکله آن قرار داشت: «مسئولین از صبح اول وقت آمدند و گفتند ان‌شاءالله با کار جهادی آب به‌سرعت وصل می‌شود و تا آن موقع نیز با تاخیر آب‌رسانی به روستا صورت خواهد گرفت. اما نایاب‌حال هنوز آبی به ما نرسیده است». «عیسی» صیاد است و می‌گوید این جنگ مشکلات آنها را تشدید کرده: «اصلی‌ترین مشکل ما سوخت است. بنزینی که به صیادان تعلق می‌گیرد ماهانه ۱۲۰۰ لیتر است. موتور قایق‌های ماهیگیری مصرف بسیار بالایی دارند و به علت صید ترال در خلیج فارس دیگر به‌سختی در آب‌های نزدیک ماهی پیدا می‌شود و صیاد مجبور است ۴۰ تا ۵۰ مایل در دریا پیش برود تا بتواند ماهی بگیرد. در نتیجه، سهمیه ۱۲۰۰لیتری فقط می‌تواند یک هفته نیاز صیاد را پوشش دهد و بعد از آن دیگر امکان رفتن به آب ندارد». مسئله برای صیادانی که مجوز مخصوص شیلات ندارند، از این نیز بدتر است: «به صیادان بدون مجوز شیلات فقط ۶۰۰ لیتر بنزین می‌دهند و خب آنها دیگر به جز دو تا سه روز در ماه نمی‌توانند به دریا بروند. آنها رسماً از کار محض‌اند». به گفته «عیسی»، تا قبل از شروع دوباره جنگ، به دریا می‌رفتند، حالا نیز با شروع جنگ مجبورند به دریا بروند؛ «از قدیم گفته‌اند جاشو تا لباسش خیس است می‌تواند نانی سر سفره خانواده‌اش بیاورد، تا لباسش خشک شود دیگر کارش با کرام‌الکاتبین است. ما چنین وضعیتی داریم، اگر به آب نزنیم نمی‌توانیم خرج خانواده خود را بدهیم».

تانکر سيار کفاف نیازهای مردم را نمی‌دهد

«مراد رحیمی»، رئیس شورای روستای «بونجی» است. او می‌گوید انفجار برای مردم جاشو تا لباسش خیس شده است، اما صدای انفجار ۲۷ تیرماه با باقی صداها فرق داشت: «نزدیک ساعت ۵ صبح با

رئیس جمهوری:

عملکرد وزارت نفت در ایجاد سامانه‌های مدیریتی یکپارچه قابل تقدیر است

قابل تقدیر، همچنان ممکن است از برخی مسائل غافل باشیم، از

این رو تطبیق با استانداردهای جهانی، آموزش فناوری‌های تازه و توسعه سامانه‌های چندجانبه و مؤثر، از اولویت‌های وزارت نفت در ارتقای عملکرد مهندسان و متخصصان است.

پزشکیان با تأکید بر اینکه خلاقیت و توسعه فناوری، ابزار رقابت در بازارهای جهانی است، گفت: افق و چشم‌انداز ما در فناوری باید نامحدود باشد تا در زمینه توسعه فناوری‌ها در یک



نقطه متوقف نشویم، از این رو همسو با دستیابی به موفقیت و پیشرفت در توسعه فناوری، ابتدا نقاط قوت و ضعف را تحلیل کنیم و بهره‌وری را در تمام ابعاد ارتقا دهیم. او در بخش دیگری از سخنان خود، اصلاح بهروری، کیفیت و عملکرد را شاخص اصلی تخصیص اعتبارات و منابع برشمرد و خطاب به مسئولان تأکید کرد: اگر نیاز است کارشناسان خود را برای بهره‌ورسانی دانش به دیگر کشورها اعزام کنید، این کار را انجام دهید. همچنین ارتقای بهره‌وری و کارایی باید مبنای پرداخت دستمزد و کارانه باشد؛ میان نیروی کارآمد و غیرکارآمد باید تفاوت قائل شد و افرادی که خوب کار می‌کنند باید تشویق شوند. در این باردید، محسن پناژکان، وزیر نفت و جمعی از مدیران ارشد، گزارش‌های جامعی از عملکرد حوزه انرژی ارائه دادند و رئیس‌جمهوری با حضور در اتاق پایش فعالیت تأسیسات نفتی، از گزارش‌های تفصیلی مدیران درباره مصرف گاز و نفت، مدیریت انرژی در دو جنگ اخیر، فرایند چرخه تولید تا مصرف، وضع مصارف بخش‌های مختلف، حجم جمع‌آوری سالانه گازهای همراه و مشعل و از دانشبورد رصدخانه پروژه‌های ملی مطلع شد.

خبرخوان

ممنوعیت ساخت‌وساز در اراضی ساحلی خزر

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست از تصویب ممنوعیت هرگونه تملک، ساخت‌وساز و تصرف اراضی مستحدث ساحلی ناشی از کاهش تراز آب دریای خزر در چهلمین جلسه شورای عالی محیط زیست خبر داد و گفت: «این اراضی متعلق به دولت است و استانداران استان‌های ساحلی شمال کشور موظف به اجرای این مصوبه هستند». شینا انصاری با اشاره به مصوبات چهلمین جلسه شورای عالی محیط زیست، ادامه داد: «با تصویب اعضای شورا و تأیید رئیس‌جمهوری، هرگونه تملک، ساخت‌وساز و تصرف اراضی مستحدث ساحلی جدید ناشی از پس‌روی دریای خزر ممنوع اعلام شد». او افزود: «براساس بند (۱۱) مصوبات این جلسه و با استناد به ذیل تبصره (۱) ماده (۲) و ماده (۳) قانون اراضی مستحدث ساحلی، این اراضی غیرقابل تملک و متعلق به دولت است و از هرگونه تصرف و ساخت‌وساز توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در آنها جلوگیری خواهد شد و همچنین استانداران استان‌های ساحلی شمال کشور مکلف به حسن اجرای این مصوبه هستند». انصاری با اشاره به روند کاهش تراز آب دریای خزر گفت: «کاهش مستمر تراز آب این پهنه آبی در سال‌های اخیر، موجب عقب‌نشینی خط ساحلی و شکل‌گیری اراضی جدید در بخش‌هایی از سواحل شمالی کشور شده است؛ روندی که بر اساس مطالعات، احتمال تداوم آن در سال‌های آینده نیز وجود دارد و می‌تواند آثار قابل توجهی بر زیست‌بوم‌های ساحلی، تالاب‌ها، مصب رودخانه‌ها و زیستگاه‌های حساس دریایی در جای بگذارد». رئیس سازمان حفاظت محیط زیست تأکید کرد: «تبدیل این اراضی به عرصه‌های قابل تصرف و توسعه، علاوه بر تغییر کاربری طبیعی سواحل، تهدیدی جدی برای زیستگاه‌های ارزشمند ساحلی و کاهش توان اکولوژیک این مناطق به شمار می‌رود. ازاین‌رو جلوگیری از هرگونه دخل و تصرف در این اراضی، از اولویت‌های مدیریت پایدار سواحل دریای خزر است». او ادامه داد: «با این مصوبه، ضمن رفع هرگونه ابهام درباره نحوه مدیریت اراضی مستحدث ساحلی، بر حفظ نظام دولتی این عرصه‌ها و حفاظت از سرمایه‌های طبیعی کشور تأکید شده است. اجرای دقیق این مصوبه، گامی مهم در حفاظت از سواحل دریای خزر و تضمین بهره‌برداری پایدار از این پهنه ارزشمند طبیعی خواهد بود».

هشدار به فاقدین بیمه درمانی

براساس اعلام مدیرعامل سازمان بیمه سلامت، دهک‌های اول تا پنجم به‌صورت رایگان بیمه می‌شوند و دهک‌های ششم تا نهم نیز از یارانه دولت در پرداخت حق بیمه برخوردارند؛ این در حالی است که افراد فاقد بیمه در دهک‌های ۶ تا ۱۰ در صورت تأخیر در ثبت‌نام، ملزم به پرداخت حق بیمه معوقه خواهند شد. محمدمهدی ناصحی درباره اجرای بند «الف» ماده ۷۳ قانون برنامه هفتم پیشرفت افزود: «توسعه پوشش همگانی بیمه پایه سلامت در جارجروب قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت و مصوبات هیئت وزیران با هدف کاهش هزینه‌های درمانی خانوارها و تحقق عدالت در دسترسی به خدمات سلامت در دستور کار این سازمان قرار گرفته است. براساس این مقررات، مشمولان دهک‌های درآمدی اول تا پنجم بدون پرداخت حق بیمه مصوب و به‌صورت رایگان و بدون نیاز به مراجعه حضوری، به مدت یک سال از پوشش بیمه پایه برخوردار می‌شوند و بیمه ایشان به شکل خودکار برقرار می‌شود». او ادامه داد: «همچنین بیمارانی که در صندوق بیماران خاص و صعب‌العلاج نشان‌دار شده‌اند، از دهک اول تا دهم، بدون پرداخت حق بیمه و به‌صورت رایگان تحت پوشش بیمه سلامت قرار دارند. لازم به ذکر است بالغ بر ۸۰ درصد از بیمه‌شدگان سازمان بیمه سلامت ایران، بدون پرداخت حق بیمه و به‌صورت رایگان تحت پوشش این سازمان قرار دارند». ناصحی ادامه داد: «همچنین ۶۰ درصد حق بیمه مشمولان دهک درآمدی ۶ مشمول حمایت دولت شده و این افراد با پرداخت ۴۰ درصد حق بیمه سرانه، معادل ۱۹ میلیون و ۲۴۱ هزار و ۲۸۰ ریال برای هرک از اعضای خانواده برای یک سال، می‌توانند نسبت به برقراری پوشش بیمه اقدام کنند. ۵۰ درصد حق بیمه مشمولان دهک درآمدی ۷ نیز توسط دولت تأمین و پرداخت شده و این افراد فقط با پرداخت ۵۰ درصد حق بیمه سرانه، معادل ۲۴ میلیون و ۵۱ هزار و ۶۰۰ ریال برای هرک از اعضای خانواده و برای یک سال می‌توانند نسبت به برقراری پوشش بیمه اقدام کنند».